

بررسی تطبیقی جایگاه زن مسلمان

در اندیشه شهید مطهری و سید قطب*

- یحیی بوذری نژاد^۱
- مینا جهانشاهی^۲
- شاهین زرعیما^۳

چکیده

مسئله زنان در چند سده اخیر به یکی از چالش برانگیزترین مسائل در سطوح علمی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که جایگاه زنان در هر موقعیت و اندیشه‌ای مورد نقدهای بنیادین قرار گرفته است. این نقدها اغلب از جانب مکاتب فمینیستی و مکاتبی که خود را مدافع حقوق زنان می‌دانند، بر سایر مکاتب و اندیشه‌ها وارد می‌شود. جایگاه زن در اسلام نیز همواره از جانب جریان‌های معارض با اسلام که خوانشی بعضاً فمینیستی یا اومانیستی از حقوق و جایگاه زن دارند، مورد نقد قرار گرفته است. در مواجهه با این چالش‌ها و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

Y_bouzarinejad@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

jahanshahi_mina284@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (szarandre@gmail.com).

تغییراتی که در دنیای مدرن ایجاد شده است، همواره اندیشمندان مسلمان با رویکردهای گوناگون به مسئله جایگاه زنان در اسلام پرداخته‌اند. از آن جهت که فرصت پرداختن به تمامی رویکردها فراهم نیست؛ در این مقاله، جایگاه زن در اسلام از منظر شهید مطهری و سید قطب مورد بررسی قرار گرفته است. این دو شخصیت را می‌توان در ذیل رویکرد اسلام‌گرایان اصل‌گرای اصلاح‌گر (یکی از تشیع و دیگری از تسنن) دسته‌بندی کرد. این مقاله مسئله زن در اسلام را در سه سطح: فردی، خانوادگی و اجتماعی با استمداد از روش اسنادی و کتابخانه‌ای تحلیل و واکاوی کرده است.

واژگان کلیدی: جایگاه زن، اصل‌گرای اصلاح‌گر، برابری زن و مرد، اختلاط زنان، استقلال اقتصادی، مشارکت اقتصادی، طلاق.

مقدمه

در چند سده اخیر، با آغاز عصر روشن‌گری، انقلاب صنعتی و متعاقباً امواج مدرنیسم، تغییرات متعددی در تمامی ساحات زندگی انسان به وجود آمد که منجر به برقراری نظم نوینی بر جوامع به طور اعم و روابط به طور اخص گردید. جایگاه^۱ و حقوق^۲ زنان نیز از این قاعده مستثنی نبود. با تغییر در جایگاه زنان و روابط^۳ زن و مرد، کم‌کم اندیشه‌های مدافع حقوق زنان شکل گرفته و سعی کردند تا با به چالش کشاندن و نقد باورهای سنتی مرتبط به زنان، حقوق و نقش‌های^۴ تازه‌ای برای آنان به وجود آورند.

تأثیر این عقاید و بازخوانی به جوامع اروپایی محدود نماند، بلکه در مقیاسی وسیع‌تر به سایر ملل و جوامع نیز نفوذ پیدا کرد. این اندیشه‌ها با هر آنچه در قاموس فکریشان به منزله نابرابری و سلب آزادی زنان نمود داشت بدون توجه به ریشه‌ها، خاستگاه‌های فکری و استدلالی شکل‌گیری آن به مبارزه برخاستند. در این میان نه تنها قوانین و عقاید اسلامی از نظر این دسته از منتقدان دور نماند، بلکه به سبب فرافکنی‌های اسلام

1. Status.
2. Rights.
3. Relationships.
4. Roles.

هراسانه مورد حملات و نقدهای شدیدتری قرار گرفت. باید در نظر داشت، در اغلب موارد آنچه به مثابه دین اسلام مورد نقد واقع می‌شد، عمل و رفتار مسلمانان در کشورهای اسلامی بدون توجه به آموزه‌های اصیل اسلامی بود.

در مواجهه با این گونه نقدهای بنیادین که از سوی مکاتب و نحله‌های مدرن، پیایی بر پیکره تفکر و آموزه‌های اسلامی وارد می‌شد، متفکران و روشنفکران «احیاگر و اصلاحی» متعددی از جریان‌های فکری اسلامی گوناگون، درصدد پاسخ‌گویی به چالش‌های مطروحه برآمدند که بررسی آن‌ها و یافتن نقاط اشتراکشان بسیار حائز اهمیت است. در این میان برخی از متفکران اسلامی با رویکرد احیاگرایانه و اصلاح‌گرایانه، تنها راه حل معضلات کنونی و پاسخ به چالش‌های مطروحه را در استمداد گرفتن از آموزه‌های اصیل اسلامی دانستند. این دسته از «متفکران اسلامی اصل‌گرای اصلاح‌گر» با بازگشت به آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ علاوه بر رفع مشکلات موجود سعی کرده‌اند تا جوامع اسلامی را نسبت به گذشته خود و اصول صحیح اسلامی آگاه نمایند. در این مقاله، مجال پرداختن به تمامی متفکرانی که در دسته اندیشمندان اصل‌گرای اصلاحی قرار می‌گیرند نیست.

از این‌رو، به بررسی تطبیقی آثار و اندیشه شهید مطهری از عالمان و اندیشمندان بزرگ شیعی و سید قطب از مفسران و متفکران سنی پرداخته شده است. هر چند که وجوه افتراق و اختلاف در میان این دو متفکر نیز (به اقتضای مذاهب و مسالک فکری، عقیدتی، کلامی، فلسفی و...) وجود دارد، اما بررسی آن‌ها در چهارچوب اهداف این مقاله نمی‌گنجد. این بررسی تطبیقی ضمن آن‌که منجر به شناخت اندیشه و آراء این

۱. در این مقاله به جای معادل قرار دادن «بنیادگرایی» با واژه «Fundamentalism» از واژه «اصل‌گرایی» که مرحوم حمید عنایت از آن بهره گرفته بود (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۲۸ و ۱۵۱). استفاده می‌کنیم، زیرا واژه بنیادگرایی به دلیل استعمال نادرست و غیر دقیق در سایر پژوهش‌های معاصر، حامل باری منفی و معنایی ناصواب است. در این پژوهش، اصل‌گرایی، به معنای اندیشه بازگشت به اصول بنیادین و اساسی اسلام به کار برده شده است. به عبارت دیگر، میراث اسلام به مثابه هسته مرکزی اندیشه اصل‌گرایان است؛ به این معنا که آنان اسلام و میراث اسلامی را امری متعلق به گذشته نمی‌دانند؛ بلکه آن‌را به مثابه اندیشه‌تغییرناپذیری در نظر می‌گیرند که قابلیت اجرا در تمامی دوره‌های تاریخی را دارد (درخشه و فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۴-۶).

دو متفکر تأثیرگذار در جهان اسلام می‌شود از سویی دیگر، به یافتن وجوه اشتراک میان دو مذهب تشیع و تسنن در ارتباط با جایگاه زن و نوع موضع و پاسخ این اندیشمندان نسبت به مسئله زن نیز یاری می‌رساند. در راستای پاسخ به مسئله تحقیق، این مقاله در ابتدا، موضوع برابری میان زن و مرد در اسلام را از جانب رویکرد این دو متفکر مورد بحث قرار می‌دهد و پس از آن به سراغ بررسی جایگاه زن مسلمان در خانواده و در اجتماع می‌رود و در ذیل این عناوین مباحث گوناگون در حوزه جایگاه زن در اسلام را از دیدگاه این دو اندیشمند مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. زندگی‌نامه

پیش از ورود به بحث در رابطه با مسئله تحقیق لازم است تا زندگی‌نامه مختصری از هر دو متفکر منتخب در این پژوهش ارائه شود چراکه اندیشه‌ها و تفکرات محصول و برخاسته از زمینه و زمانه زندگی اندیشمندان است.

۱-۱- شهید مطهری

شهید مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در ایران، در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در سال ۱۳۱۶ علی‌رغم برخوردارهای شدید شاه ایران با روحانیون برای تکمیل تحصیلات خود راهی حوزه علمیه قم شد. وی به نگارش کتب گوناگون و سخنرانی‌های علمی و سیاسی پرداخت. شهید مطهری به معنی واقعی کلمه، فرزند زمانه خویش بود. او از معدود روشنفکرانی است که به وظیفه روشنفکری خود، که همانا آگاه‌سازی مردم است، به نحو احسن پرداخته است. او همواره دغدغه پاسخ‌گویی به پرسش جوانان را داشت. با نگاهی به آثار او طیف گسترده موضوعات اسلامی، جامعه‌شناسی، فلسفه و... را می‌توان مشاهده کرد؛ اما در پس این گوناگونی‌ها تنها یک هدف نهفته است و آن پاسخ به سؤال‌های مردم، به‌ویژه جوانان در مورد مسائل متعدد زندگی است (Qobadi, 2016: 27-26).

تأثیر شیوه‌استادش علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در فهم و تفسیر قرآن بر طریقه فکری و کاری او به وضوح قابل رؤیت است. شهید مطهری به دنبال آن بوده است تا بسیاری از

مباحث علمی روز دنیا را از دریچه قرآنی فهم نماید. البته باید دانست این رویکرد از «اصل‌گرایی» او و اصالت بخشیدن به قرآن و اسلام، به عنوان دینی فرازمانی و فرامکانی ناشی می‌شود؛ به این معنا که اسلام بدان سبب که دینی کامل و جامع‌الاطراف است، ریشه تمامی علوم را در آن می‌توان پی‌گرفت. علاوه بر این مسائل، شهید مطهری به دلیل آن که قرآن را کتابی برای هدایت مسلمین در هر زمانی و در هر مکانی می‌دانست، افزون بر تفسیر ترتیبی آیات، به تفسیر موضوعی قرآن نیز پرداخته است (نورانی و قربانی، ۱۳۹۶: ۱۷۶-۱۷۰).

شهید مطهری هر چند در طول زندگی علمی و سیاسی خود با مانع تراشی‌ها و مخالفت‌های شدیدی رو به رو شد؛ اما هیچ‌گاه دست از مبارزه برای تحقق حق نکشید. او بارها به زندان برده شد و مورد شکنجه قرار گرفت، حتی او را از دانشگاه بازنشسته کردند و بعدها او را ممنوع‌المنبر نیز کردند؛ اما با این وجود او به کار خود در راستای تحقق اهداف اسلامی در پشت صحنه ادامه داد. سرانجام او در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروهک فرقان به شهادت رسید.

۱-۲- سید قطب: زندگی‌نامه

سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی در سال ۱۹۰۶ در خانواده‌ای روستایی به دنیا آمد. او از ابتدای زندگی، با سیاست و مسائل سیاسی به واسطه پدرش آشنا شد. پدرش، الحاج قطب ابراهیم، عضو حزب مصطفی کامل بود. از این رو، محل زندگی قطب به محلی برای برگزاری جلسات و حضور نخبگان سیاسی آن زمان تبدیل شده بود. در ده سالگی حافظ کل قرآن شد (Soage, 2009: 189). سید قطب که به واسطه درس خواندن در «کالج آموزش معلمان» به استخدام آموزش و پرورش در آمده بود؛ در سال ۱۹۴۸ از جانب آموزش و پرورش مأمور شد تا طی سفری به آمریکا، اطلاعاتی را در رابطه با شیوه آموزش در آمریکا کسب نماید. این سفر نقطه عطفی در زندگی او است؛ چرا که در آنجا از نزدیک مفاسد و انحراف‌هایی که جامعه بشری را به جاهلیت دوباره آلوده کرده بود، مشاهده کرد.

پس از این زمان، او تمامی توانایی خود را در راه دفاع از اسلام و آموزه‌های قرآنی

که تا پیش از این، از دریچهٔ اعجازهای ادبی با آن آشنا شده بود، صرف نمود(دانایی‌فر، ۱۳۹۳: ۹۹). بعد از مرگ حسن‌البناء، رهبری فکری اخوان المسلمین را به عهده گرفت و به دلیل عدم همکاری با جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر و به اتهام ترور او، پانزده سال به زندان افتاد. در زندان رویکرد نقادانه نسبت به حکومت اتخاذ کرد و با وجود شکنجه‌های فراوان اغلب کتاب‌های اسلامی و تأثیرگذار خود از جمله: تفسیر فی ظلال القرآن و کتاب معالم فی الطریق (نشانه‌های راه) که به گفتهٔ بسیاری از متفکرین، بیشترین تأثیر را بر مسلمین و جنبش‌های جهادی اسلامی داشت، نوشت. پس از مدت کوتاهی آزادی، دوباره قطب بازداشت شد و نهایتاً در سال ۱۹۶۶ به دار آویخته شد(Azoulay, 2015: 174).

۲. برابری زن و مرد

۲-۱- ماهیت انسان

پیش از آن که به سراغ بحث در باب «برابری زن و مرد» برویم، لازم است تا در مورد انسانیت انسان در اسلام صحبت کنیم. تصویری که شهید مطهری در کتاب انسان و قرآن از انسان (فارغ از تفاوت‌های جنسیتی) ارائه می‌دهد، تصویری ذو ابعاد است، که در آن انسان دارای ابعاد مادی و معنوی است. در نگرش وی، قرآن انسان‌ها را به خودشناسی دعوت کرده تا از این طریق توانایی‌ها و جهازهای مادی و معنوی که بدان‌ها تجهیز شده را بشناسد. و به کمک آن‌ها آینده‌ای که در ساخت آن مختار^۱ است را بسازد اگر هدفش سعادت‌مندی باشد، باید راهی را که قرآن بدان اشاره کرده، که همانا راه منطبق بر طبیعت و فطرت است، را بیمایند. و اگر هدف دیگری دارد، می‌تواند به راهی به غیر از آن‌چه قرآن و طبیعت بدان نشان داده است، برود (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۷ و ۲۷ و ۳۴).

انسان‌ها حتی با اختیار و ارادهٔ خود می‌توانند در رابطهٔ با انسان شدن و نشدن خویش تصمیم بگیرند. در مقدمهٔ بحث انسان کامل، شهید مطهری به انسان‌هایی اشاره می‌کند

۱. ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا﴾ (انسان/۳).

که از مهم‌ترین ویژگی خود یعنی، انسانیت تهی شده‌اند. ویژگی انسانیت به شخصیت انسان برمی‌گردد و نه شخص انسان، او این ویژگی را این‌گونه توصیف می‌کند:

اولاً یک سلسله چیزهایی است که با ساختمان مادی انسان درست نمی‌شود، چون غیرمادی است... به عبارت دیگر از سنخ معنویات است نه مادیات. ثانیاً آن چیزهایی که ملاک انسانیت انسان است و به انسان شخصیت می‌دهد، فضیلت می‌دهد و ملاک فضیلت انسانی انسان است، بدست طبیعت ساخته نمی‌شود به دست هیچ‌کس ساخته نمی‌شود و فقط به دست خود انسان ساخته می‌شود (مطهری، ۱۳۶۲: ۷۲).

از سوی دیگر، در اندیشه سید قطب، انسان از جایگاه رفیعی برخوردار است. او معتقد است آن چیزی که موجب تمایز و موفقیت اسلام نسبت به سایر ادیان شده است، همین نگاه عادلانه یک‌سان‌پندارش است؛ چرا که اسلام تمامی آدمیان را فارغ از هر نژاد، رنگ و قبیله‌ای تحت «کاروان واحد انسانی» قرار می‌دهد (سید قطب، ۱۳۹۱ الف: ۲۶۵). سید قطب نیز همچون شهید مطهری، انسان در اسلام را، همان انسان حقیقی می‌داند، با تمامی ابعاد که او را شکل می‌دهد. در نگرش وی، در اسلام به تمامی ابعاد و نیازهای انسان توجه شده است و هیچ‌یک از آنان مورد نقد یا مذمت قرار نگرفته است. او بیان می‌دارد که انسان در اسلام متناسب با بار امانت و وظیفه خلافتی که به او اهدا شده است، مجهز به استعدادها و امکانات ویژه‌ای شده است (سید قطب، ۱۳۹۵: ۶۰۵ و ۶۱۵). مبتنی بر همین رویکرد، وی در کتاب فی ظلال القرآن با ارجاع به آیه ۳ سوره انسان بر اختیار انسان در پیدا کردن مسیر زندگی خویش صحه گذاشته و او را در پیدا کردن مسیر هدایت خویش آزاد می‌داند (سید قطب، ۱۳۹۳: ۶/۶۵۳).

در اندیشه و آراء سید قطب، انسان در اسلام، مفهومی مرکزی و بنیادین است. مقام و مرتبه والای انسان به واسطه آیات فراوان قرآنی مسجل گردیده است. انسان از بدو خلقت به توانایی‌های بالقوه‌ای مستعد شده و وظایفی بر عهده دارد. این وظایف تکالیفی مالایطاق نیستند، چرا که مبتنی بر همان استعدادها به انسان واگذار گردیده است؛ لذا اگر انسان به دنبال آن باشد که به سعادت دست یابد باید مسیر هدایت را برگزیند و با تسلیم شدن در برابر حاکمیت الله، در تمامی وجوه زندگی، انسانیت خود را به طور کامل محقق گرداند و آزادی و رهایی حقیقی را به دست بیاورد.

۲-۲- اصل مساوات در مناسبات دو جنس

شهید مطهری برابری زن و مرد در طینت و سرشت را یک اصل اسلامی می‌داند که توسط آیات گوناگون در قرآن بیان شده است؛ برای مثال، او به آیه ۱ سوره نساء^۱ و داستان خلقت آدم و همسر او و سایر انسان‌ها اشاره می‌کند و تمامی تفاسیری که سعی کردند زنان را موجوداتی پست‌تر از مردان یا عنصر گناه معرفی کنند، به کمک آیات قرآن رد می‌کند و به صراحت بیان می‌کند اسلام با تمامی ایده‌ها و عقاید غلطی که در آن زمان در ارتباط با زنان وجود داشته به مبارزه پرداخته است (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۱۵).

در اندیشه شهید مطهری، اسلام رسیدن به تقرب الهی را برای هر دو جنس ممکن می‌داند و انسان‌ها به ازای تلاش خود به درجات متفاوتی از تقوا دست می‌یابند؛ اما به بیان وی، تفاوتی را که اسلام برای زن و مرد در این میان قائل است مربوط به مرحله «(من الحق الی الخلق)» است و نه مرحله «(من الخلق الی الحق)»؛ به این معنا که در حرکت به سوی خداوند زن و مرد برابر هستند و چه بسیار زنانی همچون مریم، آسیه و خدیجه که به درجات بالایی از تقرب رسیده‌اند؛ اما در سیر از سوی خداوند به سوی آدمیان و رساندن پیام حق به گوش انسان‌ها، که همانا مسئولیت پیامبران است، مردان مناسب‌تر هستند (همان: ۱۱۷). شهید مطهری معتقد است، در اسلام حقوق زن و مرد «مساوی» است، اما «متشابه» نیست.

به عبارت دیگر، وی معتقد است زن و مرد به سبب تفاوت در خلقتشان، در حقوق و تکالیف و مجازاتشان نیز متفاوت هستند و این یک قانون برخاسته از طبیعت است، که با قوانین قراردادی نمی‌توان در آن تفاوتی ایجاد کرد. دستگاه خلقت، در طبیعت هر یک از موجودات هدفی را قرار داده است که مبتنی بر آن هدف، استعدادی در وجودشان به ودیعه گذاشته شده است و «هر استعداد طبیعی، مبنای یک حق طبیعی است.» از این روست، که حق آموزش و تحصیل برای تمامی انسان‌ها باید وجود داشته باشد؛ چراکه استعداد آن‌را دارا هستند (همان: ۱۴۹-۱۲۷).

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء / ۱).

در نگاه شهید مطهری، زن و مرد از جهات گوناگونی با یکدیگر متفاوت هستند که تمامی این تفاوت‌ها نه از روی نقص و ضعف بلکه بر اساس تناسب و تکامل است. در حقیقت، وی مرد و زن را در دو مدار متفاوت قرار می‌دهد که هر یک برای رسیدن به سعادت و کمال خود، باید همان مسیری را طی کند که طبیعت برای آنان در نظر گرفته است و اگر از مدار خود خارج شوند، به آن سعادت می‌رسند که طبیعت متناسب با خلقت برایشان در نظر گرفته است، دست پیدا نمی‌کنند و سعادت‌مند نمی‌شوند (همان: ۱۴۹).

وی، لازمه برقراری اصل عدل در میان روابط زن و مرد را «عدم تشابه در پاره‌ای از حقوق» می‌داند. این تفاوت در حقوق نیز امری قراردادی و ساخته شده توسط انسان‌ها و یا جوامع نیست، بلکه از قوانین طبیعت ناشی می‌شود. در دیدگاه شهید مطهری تفاوت‌های طبیعی دارای اهمیت به سزایی هستند، او معتقد است وضع طبیعی و فطری زن و مرد و حقوقی که در طبیعت برای آنان در نظر گرفته شده است «زن را در وضع مناسبی قرار می‌دهد؛ که نه شخصش کوییده شود و نه شخصیتش» (همان: ۲۲). از سوی دیگر، سید قطب معتقد است که اسلام در هر جبهه‌ای کوشیده تا مفهوم و معنای عدالت به طور عینی و عملی در تمامی ساحت‌های زندگی بشر ساری و جاری باشد.

اسلام با نگاه مساوات‌طلبانه خود برای تمامی جهانیان، یکسانی و برابری را به ارمغان آورد و تمامی آنان را تحت لوای یکسان قرار داد تا به کمک یکدیگر در مسیر سعادت گام بردارند. زن و مرد نیز تحت همین لوای یکسان قرار می‌گیرند و مساوات میان آن دو از لحاظ جنس و نوع به طور کامل برقرار است و «جز در بعضی جهات و حالاتی که به استعداد و عقل و متفرعات آن مربوط بوده، در اختلاف اساسی انسانی دو جنس، هرگز تفاوتی وجود ندارد.» در نظر سید قطب اگر وجه اختلاف زن و مرد، که همانا تفاوت در استعداد و عقل و متفرعات آن است، از میان برود اختلافی میان آن دو وجود نخواهد داشت (سید قطب، ۱۳۹۲: ۹۱-۸۸).

بنابراین، سید قطب نیز اختلاف دو جنس را ناشی از وظایف متفاوتی که برای آنان در نظر گرفته شده است می‌داند. از این رو، به عقیده او بدان سبب که زن و مرد در طول زندگی خود، دو گونه متفاوت از وظایف را بر عهده دارند، به تبع آن، دو گونه متفاوت از استعدادها در درونشان تقویت می‌شود. اگر مرد در تأمل و تفکر نسبت به زن

ارجح است و اگر زن در عواطف و احساسات نسبت به مرد برتر است، ریشه آن در تکالیف و وظایف متفاوت دو جنس است:

مرد به حکم رهایی‌اش از تکالیف و زحمات مادری به مقدار زیادی با مهارت در امور اجتماعی رو به روست و با قوای فکری خود مهبای آن می‌گردد، در حالی که زن عمده روزگار خود را در راه همان تکالیف مادری صرف می‌کند. بالاتر این که تکالیف مادری در زن عواطف، و احساسات را تقویت می‌کند و به همان اندازه در مرد تأمل و تفکر نمو می‌کند (همان: ۹۲).

در حقیقت سید قطب تفاوت‌ها و تقسیم وظایفی که در میان زن و مرد وجود دارد را بنیانی برای برپا ماندن و برجا ماندن زندگی انسانی دانسته و بیان می‌دارد:

برنامه اسلامی در تقسیم وظایف، و در تقسیم بهره مردان و زنان از سرشت پیروی می‌نماید، و این سرشت است که پیش از هر چیز مرد را مرد و زن را زن کرده است و در هریک از آنها ویژگی‌های جداگانه‌ای به ودیعت نهاده است، تا به هریک از آنان وظائف خاصی واگذار سازد.

بر اساس همین استدلال مبتنی بر رویکرد اسلامی او، سرپرستی خانواده برای مرد سزاوارتر است، زیرا ارکان و اصول سرپرستی در مرد حاصل و موجود است (سید قطب، ۱۳۹۳: ۵۶/۲ و ۴۷).

در نتیجه می‌توان گفت همان گونه که شهید مطهری معتقد به برابری انسان‌ها در اسلام است، سید قطب نیز انسان‌ها را در بدو خلقت و آفرینش یکسان می‌داند. اما در نزد هر دو متفکر این یکسانی به معنای تشابه در تمامی وظایف و استعدادها دو جنس نیست. در نظر شهید مطهری این طبیعت انسان است که ویژگی‌های متفاوتی را در درون انسان‌ها به ودیعه گذارده است. در نظر سید قطب نیز، تقسیم کار و وظایفی که در اسلام وجود دارد، مبتنی بر استعداد، روحیات، سرشت و طبیعت هر فرد است و در جهت پایداری و ماندگاری زندگی انسانی تکوین یافته است.

۳. جایگاه زن در خانواده

۳-۱- خانواده در اسلام

از دیدگاه شهید مطهری مبنای هر حق طبیعی، استعدادی طبیعی است که از بدو

خلقت در موجودات نهاده شده است. در راستای تحقق این حقوق طبیعی، خداوند طبیعت موجودات را، به ابزارهای متعددی مجهز کرده است. حق ارضای نیازهای جنسی نیز در میان انسان‌ها، حقی کاملاً طبیعی است و انسان نیز به جهازهای رفع آن مجهز شده است:

«زندگی خانوادگی بشر صد در صد طبیعی است، یعنی انسان طبیعتاً منزلی آفریده شده است» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۵۶).

بنابراین، ادیان و باورهایی که قصد انکار و یا پست انگاشتن خانواده دارند، در مسیر اشتباهی قدم گذاشته‌اند. شهید مطهری بیان می‌دارد که اسلام ارضای نیازهای جنسی را هرگز عملی ناشایست تلقی نکرده، بلکه همواره انسان‌ها را به ازدواج دعوت کرده است؛ چرا که به خوبی قاعده و قوانین طبیعت را درک کرده و بر مبنای آن برای موجوداتی که در طبیعت زندگی می‌کنند؛ راهنمای عمل نازل کرده است. از آن‌رو که خداوند نه عضوی از اعضای جسمانی را بیهوده آفریده است و نه استعدادی از استعدادهای روحی را، و همان‌طوری که همه اعضای بدن را باید حفظ کرد و به آن‌ها غذای لازم باید رساند، استعدادهای روحی را نیز باید ضبط کرد و به آن‌ها غذای کافی داد تا سبب رشد آن‌ها شود (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۹). خانواده در اسلام نهادی در جهت ترفیع حوائج انسانی و رشد استعدادهای بشری است.

از سوی دیگر، سید قطب نیز معتقد است اسلام برخلاف سایر ادیان از جمله مسیحیت که نیروی جنسی را گناه موروثی برای مسیحیان در نظر می‌گیرد، نه تنها غریزه جنسی را یک گناه موروثی تلقی نمی‌کند؛ بلکه وظیفه‌ای فطری می‌داند که موجب تداوم زندگی بشر می‌شود. از همین‌رو، برای آن قواعد و قوانینی وضع کرده است تا موجبات رفع و ارضای آن‌را فراهم نماید و در عین حال این نیروی سرکش را مقید و مشروط سازد، تا جامعه اسلامی را از بند افراط‌هایی که امروزه کشورهای غربی به شدت درگیر آن هستند محفوظ بدارد (سید قطب، ۱۳۹۵: ۶۰۸).

سید قطب قاعده زوجیت، که ویژگی‌ای طبیعی و حیوانی است را مبتنی بر اصل تکامل قرار می‌دهد نه تماثل [تولید مثل]. البته وی در پی آن نیست که ویژگی تولید

مثل را از روابط انسانی حذف کند؛ اما انسان را دارای روحی خدایی^۱ می‌داند که حیات او را از حیات حیوانی محض متمایز می‌کند (همان: ۵۹۶). بنابراین، در خانواده‌ای که اسلام آنرا تصویر می‌کند، بستری فراهم می‌شود تا تمامی اعضای خانواده به سعادت و تکاملی که در نظام خلقت برای آنان در نظر گرفته شده است، دست یابند. در نتیجه، اهمیتی که اسلام برای نهاد خانواده قائل است، دارای اهمیتی انکار نکردنی است؛ چرا که مبتنی بر رویکرد اسلامی برای داشتن جامعه‌ای سالم نیاز به خانواده‌ای سالم است. سید قطب خانواده را تنها یک نظام اجتماعی نمی‌داند؛ بلکه معتقد است خانواده یک نظام بیولوژیکی و روحی نیز است.

از منظر بیولوژیکی، هنگامی که یک زن تنها متعلق به یک مرد باشد از منظر تولید مثل موفق‌تر و فرزندان سالم‌تری به دنیا می‌آورد. خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که فرزندان در درون آن رشد و نمو می‌یابند و از منظر روحی این نهاد خانواده است که موجب شکل‌گیری احساسات دوستی و مهربانی در فرزندان می‌شود؛ چراکه در رابطه خانوادگی اسلامی این قبیل از احساسات به وفور در رفتار اعضا با یکدیگر دیده می‌شود.

۲-۳- فلسفه ناهمانندی نقوش زن و مرد

در اندیشه شهید مطهری، استعدادهای طبیعی در تمام موجودات مشابه نیست و بر اساس همین اختلاف در استعدادها، حقوق نیز متفاوت می‌گردد. بنابراین در خانواده نیز زن و مرد به دلیل تفاوت در استعدادهایشان از حقوق و وظایف متفاوتی بهره‌مند می‌شوند:

«شوهر بودن از آن جهت که شوهر بودن است، وظایف و حقوق خاصی را ایجاب می‌کند و زن بودن از آن جهت که زن بودن است، حقوق و وظایف دیگری ایجاب می‌کند» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۵۳-۱۵۲).

در اندیشه وی، همان‌طور که در سایر جنبه‌های زندگی، انسان نباید از نقش‌هایی که طبیعت در اختیارش قرار داده است، فاصله بگیرد؛ در زندگی خانوادگی نیز این اصل باید رعایت شود: «زن و مرد نباید فراموش کنند که در مسئله عشق از نظر طبیعت

۱. ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص / ۷۲).

دو نقش جداگانه به عهده آن‌ها واگذار شده است». و این عشق زمانی پایدار می‌ماند و به شکوفایی می‌رسد که هر دو به خوبی نقش خود را ایفا کنند (همان: ۲۳۲). او تفاوت جسمانی و روحی زن و مرد را دلیل بر آن می‌داند که اسلام حق نفقه را برای زنان در نظر گرفته است؛ چرا که زنان مسئولیت تولید مثل، بارداری، شیردهی به کودک و پرستاری را بر عهده دارند و مردان به سبب قدرت در نیروی جسمانی‌شان برای کار در بیرون از خانه مناسب‌تر هستند (همان: ۲۳۳-۲۳۲).

به اعتقاد وی، در زندگی خانوادگی زن و مرد از جهت وابستگی به یکدیگر در نیازها نیز متفاوت می‌باشند:

«زن از جنبه مالی نیازمند به مرد آفریده شده است و مرد از جنبه روحی، زن بدون اتکاء به مرد نمی‌تواند نیازهای مادی خود را که چندین برابر مرد است رفع کند، از این رو، اسلام همسر را نقطه اتکاء او معین کرده است» (همان: ۲۳۵).

بنابراین، شهید مطهری معتقد است: اگر نیازهای متقابلی که زن و مرد در زندگی مشترک نسبت به یکدیگر دارند به طور صحیح پاسخ داده شود در آن صورت زندگی خانوادگی نیز در مسیر درستی قرار گرفته است. همان‌طور که کار بیرون برای مردان مناسب‌تر است. از نظر شهید مطهری، کار خانه نیز برای زنان مناسب است. در کتاب زن و مسائل قضایی و سیاسی، کار خانه‌داری، شوهرداری، بچه‌داری جزو وظایف و نقش‌های اصلی زنان توصیف شده است، وظایفی که نشأت گرفته از طبیعت آنان است. شهید مطهری بر این گزاره ویل دورانت که «زن خادم نوع است» صحه می‌گذارد و معتقد است: زنان در مسائلی که به تربیت کودکان و خانواده مربوط می‌شود، استعداد بیشتری دارند (مطهری، ۱۳۹۱: ۳۲).

پس طبق آن چه گفته شد در زندگی مشترک، زن و مرد وظایف مشخص و از پیش تعیین شده‌ای دارند، که نه بر اساس قوانین قراردادی بلکه بر اساس قوانین طبیعت شکل گرفته است. زن و مرد مبتنی بر خواش‌های طبیعی خود، خواستار انجام دادن آن نقش‌ها هستند و از لحاظ جنبه‌های روحی و جسمی برای انجام آن نقش‌ها، از پیش آماده شده‌اند، بنابراین، اگر زن و مرد در این راستا قدم بردارند و یکدیگر را در زندگی مشترک تکمیل و تأمین نمایند زندگی شکوفا و سعادت‌مندی خواهند داشت.

همان گونه که در سایر نهادهای اجتماعی برای تسهیل دستیابی به هدف، تقسیم کار و وظایف باید ایجاد شود؛ خانواده نیز به مثابه یک واحد اجتماعی نیازمند تقسیم وظایف، همکاری و تعاون است (سید قطب، ۱۳۹۲: ۱۰۴). به عقیده سید قطب، تقسیم وظایف در هر نهادی موجب تعالی و پیشرفت آن نهاد می شود. در نهاد خانواده نیز با وجود تقسیم وظایف، امور به طور اکمل و اسرع انجام می شود. بنابراین، در جهت موفقیت بیشتر در تقسیم وظایف در خانواده باید به استعدادهای سرشتی و فطرت خدادادی نیز توجه نمود:

«برنامه یزدانی این کار را مراعات می دارد، و در کانون خانواده فطرت را در نظر می گیرد، و استعدادهای خدادادی دو نیمه نفس واحده را پیش چشم می دارد تا در پرتو این استعدادها هر یک از آن دو نفر وظایف مربوط به خویشتن را انجام دهد» (سید قطب، ۱۳۹۳: ۵۷/۲).

سید قطب، مانند شهید مطهری زنان و مردان را دارای استعدادها و ویژگی های متفاوتی می داند که تنها ویژگی ظاهری نیست؛ بلکه «در هستی یکایک اندامها و عصبها و نیروهای عقلانی و نفسانی، ژرفا بخشیده شده و ریشه دوانده است». بنابراین، از منظر سید قطب، خداوند ویژگی های زن را به این ترتیب قرار داده است که «حامله گردد، بزاید، شیر دهد و میوه پیوند خود با مرد را سرپرستی و نگاهداری کند». از این رو مرد باید نیازها و ضرورت های زن را رفع نماید تا او بتواند به خوبی به وظیفه مهم و حائز اهمیت خود پردازد. طبق همین وظایف است که خصائص «نازک دلی، مهربانی، سرعت انفعال و پاسخ فوری به نیازها و خواست های کودک» به زن اعطا شده است (همان: ۵۷-۵۸).

در نگرش سید قطب، وظیفه مادری کردن، امری است که از جانب خداوند به زنان اعطا شده و بر آنان واجب گشته است تا به فرزندان خود شیردهند و از آنان نگه داری نمایند. وی در ذیل تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره^۱ بیان می کند: «حتی بر زنان مطلقه نیز

۱. ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَّمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَبَوْلُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَأْتَمَّمُوا اللَّهَ وَاعْتَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره / ۲۳۳).

واجب است تا دو سال کامل به فرزندان خود شیر دهند و از آنان نگه‌داری نمایند». در مقابل پدر نیز باید از جهت خوراک و پوشاک نیازهای مادر و کودک را رفع نماید. در نتیجه مشخص می‌شود که هر دو، پدر و مادر در برابر فرزند خود مسئول می‌باشند: «مادر با شیر دادن و پرورش کردن و نگه‌داری نمودن به کودک کمک و یاری می‌کند، و پدر با تهیه خوراک و پوشاک، به مادر مدد می‌رساند تا از کودک نگه‌داری کند» (سید قطب، ۱۳۹۳، ۱/۳۸۸).

بنابراین، سید قطب نیز همچون شهید مطهری، خانواده را نهادی در جهت ارضای نیاز فطری تلقی می‌کند؛ و زن و مرد را «دو نیمه نفس واحده» یاد می‌کند، دارای وظایف و نقش‌های متفاوتی می‌داند که این تفاوت نیز راهی در جهت رسیدن به آن سعادت‌مندی متشابه انسانی است. بنابراین، زن در خانواده علاوه بر همسر بودن، مهم‌ترین و مؤثرترین نقش، یعنی مادری را بر عهده دارد که اولین گام در جهت پرورش انسان‌هایی است که در سایه مساوات و عدالت در پی برقراری صلحی جهانی می‌باشند.

۳-۳- طلاق

حال که مسئله تشکیل خانواده مورد بررسی قرار گرفت، ضرورت می‌یابد منفورترین و مبغوض‌ترین حلال در نزد خداوند، یعنی «طلاق» که همانا نقطه پایان خانواده است در اندیشه شهید مطهری و سید قطب مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. در صورتی که یک زوج نتوانند با تمامی شرایطی که برای ممانعت از طلاق در اسلام در نظر گرفته شده است به زندگی خود ادامه دهند، می‌توانند از آن رابطه خارج شوند.

شهید مطهری معتقد است که طلاق حق طبیعی مرد است؛ اما به شرطی که روابط او با زن جریان طبیعی خود را طی کند (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۱۶). امروزه، اسلام از آن جهت که حق طلاق را به مردان داده است؛ مورد نقدهای بسیاری از جانب طرف‌داران حقوق زن واقع شده است. پاسخ شهید مطهری به این دسته از نقدها رجوع به نحوه شکل‌گیری رابطه زن و مرد است، به عقیده وی: «عشق زنان معلول عشق مردان است». و از این رو، «بی‌علاقگی مرد موجب بی‌علاقگی طرفین می‌شود، ولی بی‌علاقگی زن منجر به بی‌علاقگی طرفین نمی‌شود». بنابراین، «طبیعت، کلید فسخ

طبیعی ازدواج را به دست مرد داده است» (همان: ۲۸۴). در نتیجه باید دانست، شهید مطهری همان‌گونه که ازدواج را امری صد در صد طبیعی می‌داند، که بر اساس قوانین طبیعی ایجاد می‌شود و شکل می‌گیرد، طلاق را نیز در ادامه همین فرآیند دانسته و معتقد هستند: «هر زمان که شعلهٔ محبت و علاقهٔ مرد خاموش شود، ازدواج از نظر طبیعی مرده است». البته در این میان، شاید قانون بتواند زن و مرد را در محیط خانواده کنار یکدیگر نگه دارد؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها قادر نخواهند بود، به ایفای نقش‌های طبیعی خود به عنوان زن و شوهر بپردازند. (همان: ۲۸۳)

از سوی دیگر، سید قطب از طلاق با عنوان «بلای آرامش زنی که طلاق می‌گیرد» یاد می‌کند؛ اما او نیز معتقد است؛ هرچند که طلاق امری منفور نزد خداوند است؛ اما بنا به ضرورت مباح است.

اسلام حتی پیش از آن که به سراغ طلاق برود راهکارهای عدیده‌ای را برای ممانعت از این امر ارائه می‌دهد. مبنی بر آیهٔ ۱۹ سورهٔ نساء،^۱ حتی اسلام از مردان می‌خواهد در برابر عدم علائق خود شکبیا باشند و به شایستگی با زنان برخورد کنند. هم‌چنین اگر اختلاف میان زن و مرد به قهر و جدایی کشید، اسلام از آن‌ها می‌خواهد تا از اقوام خود کسانی را بیاورند تا واسطهٔ رفع اختلاف آنان گردند.^۲ (سید قطب، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

سید قطب، مانند شهید مطهری مباح دانستن طلاق در اسلام را ناشی از همان ویژگی انطباق اسلام با قوانین طبیعت و ویژگی‌های انسانی می‌داند. او مقید ساختن و قانون‌مند کردن طلاق را، به نوعی بازیچه قرار دادن زنان می‌داند. او معتقد است خداوند برای زنان عزت و احترام خواسته است؛ اما برخی به دنبال آن هستند تا با قانون در پی شأن و منزلت بروند. بنابراین، از منظر او زمانی که علاقه‌ای در میان نباشد، قید و بندهای قانونی راه‌چاره نمی‌تواند باشد (همان: ۱۵۰).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيُدْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء / ۱۹).

۲. «وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء / ۳۵).

مبتنی بر موارد مذکور مشخص شد، شهید مطهری و سید قطب، نهاد خانواده در اسلام را پاسخی به نیازهای فطری و طبیعی بشر می‌دانند. هم‌چنین از منظر هر دوی آن‌ها، خانواده در اسلام بستری است که اعضاء در آن در جهت سعادت‌مندی خود و سعادت‌مندی جامعه اسلامی پرورش می‌یابند. هم‌چنین تقسیم وظایف در خانواده، مبتنی بر استعدادهای زن و مرد، عاملی در راستای اعتلا و تعالی فردی و جمعی افراد می‌باشد. حال که جایگاه و نقش زن در خانواده مشخص شد، بحث در باب جایگاه زن مسلمان در جامعه نزد این دو اندیشمند ضرورت می‌یابد.

۴. جایگاه زن در اجتماع

۴-۱- اسلام و تحولات اجتماعی

بسیاری از متفکران مسلمان بر این عقیده هستند که دین اسلام تغییرات و اصلاحات اساسی را در ارتباط با حقوق و جایگاه زنان به وجود آورد؛ به عبارت دیگر، اسلام جایگاه حقیقی زنان را به آنان اعطا کرد. اثبات این امر نه تنها در آیات قرآن بلکه در رفتار و سیره حضرت محمد ﷺ نیز نمود داشته است. برای درک این تغییرات و اصلاحات توجه به زمینه و زمانه عصر ظهور اسلام، دارای اهمیت شایان توجه‌ای است. برای مثال، علامه طباطبایی رحمته‌الله یکی از عالمان بزرگ شیعی، در کتاب تفسیر المیزان پس از بررسی موقعیت زنان در میان امپراطوری‌ها و تمدن‌های بزرگ آن عصر و بررسی وضعیت زنان در محل نزول قرآن یعنی جزیره‌العرب، چنین استنتاج می‌کند:

«در آثار گذشتگان، چیزی در باب احترام و اعتناء به شأن زنان پیدا نخواهی کرد، جز در بخش‌هایی از تورات و وصایای عیسی بن مریم علیها‌السلام که بر لزوم آسان‌گیری و مدارا با زنان تأکید شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۳/۴).

شهید مطهری نیز از تغییرات و اصلاحاتی که اسلام در ارتباط با حقوق و جایگاه زنان به وجود آورده با عنوان «نهضت اسلامی سفید» یاد می‌کند. به این معنا که تغییرات و اصلاحاتی که به واسطه اسلام صورت گرفت، هیچ‌گاه نظم طبیعت را برهم نزد و در جهت کینه‌ورزی و بدبینی زنان نسبت به جنس مخالف پیش نرفت. البته وی به

ضرورت نهضت زنان در جوامع اسلامی واقف است «اما نهضت سفید اسلامی نه نهضت سیاه و تیره اروپایی».

او به طور کلی نهضت اسلام را در مقایسه با نهضت‌های غربی و اروپایی در دو خصیصه متمایز می‌داند: ۱. در زمینه روان‌شناسی زن و مرد ۲. در زمینه عدم بدبینی و عصبان زن نسبت به جنس مخالف (مطهری، ۱۳۵۷: ۵۹-۵۸).

از سوی دیگر، سید قطب در ارتباط با موضوع زن در اجتماع بر طبق آیه ۳۶ سوره یس^۱ و آیه ۳۸ سوره انعام^۲، انسان را موجودی مدنی بالطبع توصیف می‌کند و او را در این خصیصه با گیاهان و حیوانات مشترک می‌داند. از نظر وی، این جمع‌گرایی خود منطبق بر فطرت انسان و در جهت دستیابی به اهداف او است. بنابراین، هنگامی که انسان به ندای فطرت خود گوش فرادهد؛ در راه موفقیت گام برداشته است و زمانی که آن را نادیده انگارد؛ از مسیر اعتدال منحرف شده است (سید قطب، ۱۳۹۵: ۶۱۱-۶۱۰).

به باور سید قطب، با ظهور اسلام و نزول قرآن در جامعه جاهلی عرب تغییرات و اصلاحات متعددی در آن اجتماع به وجود آمد. اصلاحاتی که گاهاً به دلیل آن که بی سابقه و پیش‌تازانه بود به سختی مورد قبول عامه واقع می‌شد. دامنه این تغییرات بسیار وسیع بود و مسائل گوناگونی را در بر می‌گرفت. از جمله این تغییرات، اصلاح جایگاه زنان و حق و حقوق آنان در جامعه، بوده است.

۴-۲- مشارکت اجتماعی زنان

شهید مطهری بیان می‌دارد که به طور قطع، اسلام هیچ‌گاه با حضور زن در اجتماع مخالفتی نداشته است و حتی اگر زنی بخواهد در کارهای اجتماعی و یا دولتی مشغول به کار شود، فی حد ذاته این نوع از کارها برای او ممنوع نیست؛ اما از آن جهت که استعدادهای زن و مرد در امور مختلف یکسان نیست؛ زنان برای برخی از کارها و مردان برای برخی دیگر از کارها مناسب‌ترند. وی در این باره می‌نویسد:

«زن برای کارهای خانوادگی از مرد بهتر ساخته شده است... زن باید مرد را اداره

۱. «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس / ۳۶).
 ۲. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أُشْتَالِكُمْ مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام / ۳۸).

کند و مرد باید کارهای بیرون را بسازد. زن به عنوان سازندهٔ مرد، نیرو دهنده به مرد، پرستار مرد، مردساز و بچه‌ساز شناخته می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۱: ۶۶).

طبق رویکرد شهید مطهری خانه‌داری، همسر داری و فرزند داری از جمله وظایف و نقش‌های اولیهٔ زنان می‌باشد و زنان پیش و بیش از هر چیزی باید در جهت ایفا و انجام این دسته از وظایف به نحو احسن تلاش کنند؛ چراکه این دسته از امور منطبق بر خواهش‌ها و میل‌های طبیعی و هم‌چنین منطبق بر استعداد های آنان است. مبتنی بر دیدگاه او:

«هرکسی هم که قائل به دخالت زن در سیاست است، در این‌که در درجه اول باید مسائل خانوادگی حل شده باشد و اگر نیروی زایدی بر امر خانوادگی دارد در بیرون ببرد، ظاهراً شک و تردیدی ندارد» (همان: ۶۶).

از نظر وی، همان‌گونه که استعداد زنان در امور مرتبط با خانه‌داری از مردان بیشتر است، استعداد مردان در امور مرتبط با عقل و اختراعات و ابتکارات فراتر است. از این‌رو، مردان در کارهای سیاسی و در فراگیری علوم در مقایسه با زنان استعداد بیشتری دارند. شهید مطهری بر اساس این دیدگاه زنان را برای انجام کارهای سیاسی و کارهایی که در ارتباط با مسائل منطقی و فلسفی قرار می‌گیرد؛ مناسب نمی‌داند.

طبق نظر او، در کتاب زن و مسائل قضائی و سیاسی، حتی در کشورهایی که فرصت مشارکت زنان در کارهای سیاسی بدون محدودیت وجود دارد، زنان کمتر به سوی انتخاب این سمت‌ها می‌روند و این پدیده برخاسته از خواسته‌ها و امیال طبیعی‌شان است. وی مبتنی بر همین رویکرد، تصریح می‌کند که: «کار ادارهٔ داخل خانه اصلاً کار مرد نیست؛ عواطف مرد برای این کار ساخته نشده است» (همان: ۳۲ و ۵۶ و ۶۶).

در نگرش سید قطب، اسلام نه تنها با حضور زن در اجتماع مخالفتی نداشته است؛ بلکه به زنان حقوق کسب و کار نیز داده است، آن‌چیزی که بسیاری از مکاتب و اندیشه‌های غربی، سال‌ها پس از اسلام آن‌را به رسمیت شناخته‌اند. لیکن برای تمامی انسان‌ها تناسب وظایف با تناسب استعدادها و توانایی‌ها را در راستای تکاملشان در نظر گرفته است و هم‌چنین در ارتباط با زن و مرد نیز این اصل را مراعات کرده است. زنان

را مسئول امور خانه و خانه‌داری و مردان را مسئول امور خارج از منزل در جهت رفع خواسته‌ها و نیازهای خانواده کرده است (سید قطب، ۱۳۹۲: ۹۷). او بر این باور است که کار در خارج از منزل از نظر اسلامی برای زنان پذیرفته شده است؛ اما به دلیل معایب و نکات منفی که دربردارد، برای زنان بهتر آن است که به وظیفه اولی و اصلی خود که همانا همسرداری و فرزندداری است بپردازند.

سید قطب بیان می‌دارد که مهم‌ترین عیب کار در بیرون از منزل برای زنان آسیب و صدمه‌ای است که به وظیفه اصلی آنان وارد می‌شود.

«زن یا همسر یا مادری که وقت و کوشش و نیروی روحی و جسمی خود را در کار بیرون از منزل صرف می‌کند، در فضای خانه چیزی جز خستگی، ملال و سهل‌انگاری در کارهای داخلی به وجود نمی‌آورد». از همین روست که او کار در خارج از منزل در جهت به دست آوردن معاش را «شکست دردناکی» برای خانه و خانواده قلمداد می‌کند (سید قطب، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۴-۳- فلسفه حجاب در اسلام

برخی از منتقدان، قوانین اسلامی حجاب را برای زنان امری نابرابرانه می‌دانند که به موجب آن زنان از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی باز داشته می‌شوند. اما شهید مطهری در جبهه‌ای کاملاً متفاوت می‌اندیشد.

در نظر او، آن چیزی که باعث می‌شود زن و مرد نتوانند به صورت مفید و اثرگذار به کار خود در اجتماع ادامه دهند؛ کشاندن تمعاعات جنسی به محیط اجتماع است، که موجب تضعیف فعالیت و کار می‌شود. در اندیشه وی، حجاب در اسلام به معنی زندانی کردن و محروم کردن زن از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیست؛ چرا که اسلام با مشارکت زنان در این امور مخالفی ندارد (مطهری، بی‌تا: ۷۷). می‌توان گفت رویکرد شهید مطهری بر این عقیده استوار است که اسلام در پی آن بوده که مسائل جنسی و شهوانی را از سطح اجتماع پاک کند و تا حد ممکن جامعه مدنی را از اختلاط مرد و زن پاک نگه دارد. به غیر بحثی که در باب تمایل طبیعی زن در باب خانه‌داری شد، از دیگر خواسته‌های طبیعی زنان، مسئله تمایل او به پوشش و حیا و

عفت او است و از آن‌رو که تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است، دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است (همان: ۷۲). بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که حجاب نیز در جهت تحقق عدم اختلاط زن و مرد در جامعه عمل می‌کند.

باید به این نکته توجه داشت که مبتنی بر عقیده شهید مطهری، در اسلام، هدف اگرچه اختلاط زن و مرد نیست؛ اما در مقابل هدف، حبس آنان نیز نیست، اسلام چون به تمامی وجوه انسانی آگاه است، از همین‌رو، همواره درصدد بوده است تا شرایط و زمینه‌های اجتماعی را برای تحریک نفس اماره فراهم ننماید. البته همه انسان‌ها دارای نفس لوامه نیز هستند؛ اما در بعضی از انسان‌ها و در بعضی از مواقع نفس اماره بر آن‌ها غلبه می‌کند (مطهری، ۱۳۶۱: ۵۳).

سید قطب نیز همانند شهید مطهری با آمیزش و اختلاط زنان و مردان در جوامع اسلامی کاملاً مخالف است؛ چراکه این آمیزش‌ها منجر به تهییج و تحریک طرفین می‌شود و نتایج بدی را بر جا می‌گذارد. «اسلام همه این‌ها را پیش‌بینی کرده است و از این‌جاست که به نرمش نشان ندادن زن اشاره می‌کند و از آمیزش و اختلاط او را منع می‌کند و به پوشش چشم دعوت می‌نماید و آرایش برای دیگران را تحریم می‌کند». بنابراین، مشخص می‌شود که در اندیشه سید قطب نیز مسئله حجاب و پوشش دارای اهمیت به‌سزایی است (سید قطب، ۱۳۹۱: ۱۳۴). وی، همچون شهید مطهری معتقد است که حجاب در اسلام نه از روی محدودیت زن در اجتماع، بلکه برای سالم‌سازی فضای اجتماع در نظر گرفته شده است. وی، در این رابطه می‌نویسد: «آری اسلام می‌خواهد وجدان‌ها و دل‌ها سالم بمانند و جان‌ها و قلب‌ها آرامش یابند و خانه‌ها و خانواده‌ها در امن و امان باشند» (همان: ۱۳۵). سید قطب در کتاب اسلام و دیگران بیان می‌دارد که آزادی زن به تعریف غربی‌ها، از منظر اسلامی نوعی بردگی زنان در نظر گرفته می‌شود؛ چراکه تنها ابعاد جسمی و برهنگی زن است که مهم می‌شود، اما اسلام زنان را از این‌که نیمه‌عریان از خانه خارج شوند و نظرهای عاشقانه خود را در میان مردم تقسیم کنند و خنده‌های فاجرانه به مردان تحویل دهند، نهی کرده است (سید قطب، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

هم‌چنین سید قطب در تفسیر آیه ۳۱ سوره نور،^۱ مبتنی بر اصل انطباق اسلام با تمامی تمایلات و خواسته‌های انسان، بیان می‌دارد که زنان به سبب روحيات و خلقیاتشان به زینت و تبرج و آراستگی علاقه‌مند هستند و در اسلام نیز زینت و آراستگی و تبرج برای آنان حرام نگشته است؛ اما سامان‌مند و نظام‌مند شده است. بنابراین، زنان باید در برابر نامحرمان و در سطح اجتماع زینت‌هایشان را و هر آن چیزی که باعث جلب توجه و انحراف شود را پوشیده نگه دارند (سید قطب، ۱۳۹۳: ۱/۸۱۳).

۴-۴- مالکیت اقتصادی زنان در اسلام

از عوامل متعددی که می‌توان برای اثبات موافقت اسلام با حضور زنان در جامعه بیان کرد؛ به رسمیت شناختن استقلال اقتصادی برای زنان در عصر نزول قرآن است که بارزترین نمود این امر، تثبیت حق ارث^۲ است و هم‌چنین طبق آیه ۳۲ سوره نساء،^۳ زن و مرد صاحب هر آنچه کسب می‌کنند، می‌باشند (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۲۴). بدیهی است زمانی که زنان صاحب مال و اموالی باشند این امکان برایشان فراهم می‌شود که در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. برای مثال، در راستای بیان قرآنی و تبعاً گفتار شهید مطهری در فقره مذکور و هم‌چنین در ارتباط با استقلال اقتصادی زنان و امکان مشارکت اجتماعی آنان می‌توان به زنان ایرانی در دوره صفویه اشاره کرد.

در عصر صفویه، دین اسلام و مذهب تشیع به عنوان دین و مذهب رسمی در ایران حاکم شد و به تبع آن قوانین اسلامی نیز در کشور اجرا شد، که از آن جمله می‌توان به

۱. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/۳۱).

۲. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» (نساء / ۷).

۳. «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء / ۳۲).

مسئله حق ارث زنان نیز اشاره کرد. در این دوره، تاریخ با کثرت زنان واقف که اغلب وقف‌هایشان مبتنی بر اموال ارثیشان بود؛ مواجه شد. حتی در تاریخ اشاره شده است؛ مریم بیگم، عمه شاه سلیمان، در زمانی که شاه سلیمان قصد کرده بود تا به مسقط حمله کند با خزانه خالی دولت مواجه شد. بنابراین، از عمه‌اش درخواست کمک کرد و او بیست هزار تومن به شاه سلیمان پول قرض داد (احمدی گسمنی، ۱۳۹۵: ۱۴۹-۱۴۵). مطالبی از این دست بر قدرت اقتصادی زنان در جامعه اسلامی صحه می‌گذارد.

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن وضعیت اسف‌بار زنان پیش از ظهور اسلام را به تصویر کشیده و تصریح می‌کند که در این دوران زنان در بسیاری از موارد از منظر شخصیت انسانی برابر با مردان در نظر گرفته نمی‌شدند و در بسیاری از شئون به بازیچه دست مردان و ابزار رفع نیازهای حیوانی آنان، تبدیل شده بودند. زمانی که مردی فوت می‌کرد، زن او به مانند سایر اموال و دارایی‌هایی که از او به جا مانده بود به سایر بازماندگان به ارث می‌رسید. در چنین شرایطی که زن برای اغلب مردم به مثابه کالایی در نظر گرفته می‌شد؛ اسلام به آنان حق ارث و حق مالکیت اقتصادی فردی عطا کرد (سید قطب، ۱۳۹۳: ۱/۹۲۲-۹۱۷).

در باب حق ارث و حق مالکیت برای زنان همانند شهید مطهری، سید قطب نیز به سراغ آیه ۳۲ سوره نساء می‌رود و در تفسیر آن، ضمن به رسمیت شناختن این حق برای زنان که تا پیش از اسلام سابقه نداشته است، دلیل اعطای این حق را نه در جنبش‌ها و انقلابات گوناگون زنان و نه بر حسب خواست زنان، بلکه بر اساس همان اصل بنیادین عدالت‌خواهی در نظر می‌گیرد، وی در این باره می‌نویسد:

«اسلام همه انسان‌ها را گرامی می‌دارد، و به زن که نیمی از پیکره نفس واحده است با دیده تکریم نگاه می‌کند... از این جاست که حق تملک و حق کسب برای مردان و زنان یکسان است و ناشی از قانون همگانی یزدان است» (سید قطب، ۱۳۹۳: ۲/۵۰).

در یک نگاه کلی باید گفت؛ به عقیده سید قطب تمامی جزئیات که در گذشته، در دوران جاهلیت اولیه و امروزه در جاهلیت نوین (که چه بسا بسیار بدتر و مخرب‌تر از اولی است) به مسئله و معضل تبدیل شده است؛ ناشی از برپا نکردن قوانین اسلامی است. از منظر وی، اگر یک جامعه در تمامی ابعاد خود پیرو قوانین و قواعد اسلامی

باشد؛ هیچ‌گاه چالش‌ها و معضلاتی در هیچ زمینه‌ای به طور اعم و مسئله‌ زنان به طور
 اخص پیدا نمی‌کند. او معتقد است که زمانی که قوانین اسلامی به طور دقیق در تمامی
 ابعاد اجرا و دنبال شد، در آن زمان می‌توان اسلام را مورد پرسش قرار داد، نه زمانی که
 در جوامع اسلامی تنها نامی از اسلام به یدک کشیده می‌شود (سید قطب، ۱۳۹۱: ۵۰).

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، تطبیق آراء شهید مطهری و سید قطب در باب مسئله جایگاه
 زن در اسلام بود. با توجه به بحث‌هایی که در بخش‌های پیشین صورت گرفت؛ زنان تا
 پیش از آن که اسلام ظهور کند، چه در بعد فردی و چه در بعد خانوادگی و اجتماعی
 در موقعیت اسف‌باری به سر می‌بردند؛ به گونه‌ای که در اغلب تمدن‌ها و ملت‌ها زنان
 به صورت کالایی در جهت ارضاء خواست‌های مردان و موجوداتی بسیار دون پایه‌تر از
 آنان در نظر گرفته می‌شدند. مبتنی بر آراء شهید مطهری و سید قطب اسلام در وهله
 اول تمامی انسان‌ها را در فطرت و جوهر وجودی یک‌سان پنداشته و به مبارزه با تمامی
 تمایزات و برتری‌طلبی‌های تبعیض‌آمیز برخاسته است. این برابری و مساوات اسلامی
 تنها به تمایزاتی نژادی و قبیله‌ای محدود نمانده، بلکه به رابطه‌ی زنان و مردان بسط پیدا
 کرده است. طبق گفته‌ی شهید مطهری و سید قطب در اندیشه‌ی اسلامی، زنان در ذات و
 فطرت با مردان برابر هستند؛ اما آن چیزی که زنان را از مردان متمایز می‌نماید،
 استعدادها و توانایی‌هایی است که از بدو خلقت متناسب با اهداف و سعادت‌مندی تمامی
 انسان‌ها در وجود آنان به ودیعه نهاده شده است.

از این‌رو، زنان متناسب با وظایفی همچون مادری، همسری و خانه‌داری دارای
 استعداد، روحیات و خُلقیات خاصی هستند که موفقیت آنان را در این نقش‌ها برجسته‌تر
 می‌نماید. لذا مردان نیز از منظر قوای جسمانی، خُلقیات و استعدادهای طبیعی برای
 اکتساب و اشتغال برای کارهای خارج از منزل آماده‌تر هستند. البته این به این معنا
 نیست که اسلام زنان را به خانه و خانواده محدود کرده است و آنان را از حضور در
 اجتماع و مشارکت اجتماعی منع کرده است. همان‌طور که ذکر شد، بر اساس رویکرد
 شهید مطهری و سید قطب اسلام برای زنان حق مالکیت اقتصادی فردی قائل شده

است، که به موجب آن زنان دارای حق ارث و حق تملک بر هر آنچه خودشان کسب می‌نمایند، هستند.

از منظر هر دو اندیشمند، این خود استدلالی قوی است که عدم ممانعت اسلام از حضور زن در اجتماع را اثبات می‌کند؛ چرا که استقلال اقتصادی می‌تواند به مشارکت اقتصادی و اجتماعی در جامعه منتج شود. با وجود تمامی مساوات و برابری‌هایی که اسلام برای زنان و مردان در نظر گرفته است؛ ذکر این نکته اساسی لازم است که در اندیشه شهید مطهری و سید قطب، زنان در برخی از وجوه با مردان متفاوت هستند که این تفاوت‌ها و تفارقات، ملاک برتری و یا سعادت‌مندی در افراد نیست؛ بلکه به سبب تکامل یکدیگر و تصاحب اهداف فطری است. از این‌روست که طبق گفته هر دو متفکر، برای زنان کار در داخل منزل و پرورش کودکان مناسب‌تر از کار در خارج از خانه و کسب معاش می‌باشد. که البته باید در نظر داشت که وظیفه زنان به مثابه مادر و همسر در جهت تحقق کامل حکومت اسلامی و سعادت‌مندی بشر بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. در نهایت لازم به ذکر است که هر چند در این مقاله، دو متفکر از دو جهان متفاوت تشیع و تسنن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند؛ اما به رغم داشتن اختلافاتی در زمینه‌های مذهب، فقه، کلام، فلسفه و غیره در موضوع جایگاه زنان در اسلام و وظایف و نقش‌هایی که بر عهده آنان به مثابه یک زن مسلمان است، اشتراکات و هم‌پوشانی‌های بسیار زیادی داشتند.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی گسمونی، فاطمه، وضعیت اقتصادی زنان در عهد صفویه از منظر سفرنامه نویسان خارجی، شماره ۲۵، فرهنگ پژوهش، بهار، ۱۳۹۵.
۳. درخشه، جلال و فیض الهی، روح الله، بنیادگرایی اسلامی و اندیشه انقلاب اسلامی ایران: مطالعه تطبیقی، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره سیزده، پاییز و زمستان، ۱۳۸۹.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، الجزء الرابع، منشورات مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۱۷.
۵. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نشر خوارزمی، ۱۳۹۲.
۶. سید قطب، اسلام و دیگران، ترجمه سید محمد شیرازی، تهران، انتشارات عابدی، ۱۳۸۳.
۷. ———، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۸. ———، ما چه می‌گوییم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۹. ———، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۱۰. ———، فی ظلال قرآن، جلد ۴، ۲، ۱، ترجمه مصطفی خرم‌دل، تهران، ۱۳۹۳.
۱۱. ———، مبانی تفکر اسلامی، ترجمه ابوبکر حسن زاده، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۵.
۱۲. مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۵۷.
۱۳. ———، تفسیر قرآن، تهران، شریعت، ۱۳۶۱.
۱۴. ———، انسان کامل، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۵. ———، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
۱۶. ———، انسان در قرآن، قم، صدرا، ۱۳۸۵.
۱۷. ———، زن و مسائل قضایی و سیاسی، قم، صدرا، ۱۳۹۱.
۱۸. ———، مسئله حجاب، قم، صدرا، بی‌تا.
۱۹. نورائی، محسن و قربانی، فاطمه، روش‌شناسی تفسیری علامه مطهری، تفسیر پژوهی، شماره ۷، بهار و تابستان، ۱۳۹۶.
20. Azoulay, Ronnie, The Power Of Ideas. The Influence Of Hassan Al-banna And Sayyid, Mekorot, 2015
21. Qobadi, Khosrow, An Introduction to Morteza Motahari's Political Thought, International Journal of Political Science: 2016
22. Soage, Ana Belén, Islamism and Modernity: The Political Thought of Sayyid Qutb, Totalitarian Movements and Political Religions, 2009